

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

بیگان بنوال

۱۳ اپریل ۲۰۱۵

سخنی با "موسوی"

اخیراً مضمون پُر محتوای محترم "موسوی" زیر عنوان "پیوند داعش و شاه دو شمشیره و سخنی چند با باشندگان کابل" به دست نشر سپرده شد که حاوی اطلاعات مفید و در عین حال کوبنده و بران بود، که من یکی، این کار را در خور ستایش می دانم و از "موسوی" تشکر می کنم.

تاریخ استعمار در همه دنیا به هم گره خورده، حاکمیت بی چون و چرا، شیوه کار گیری و تطبیق اهداف طبعاً متفاوت بوده و خواهد بود، اما در نهایت امر در بند کشیدن مردم و کشور است.

چار دهه کشور ما زیر فشار سنگین استعمار می تپد و له می شود و استعمار گران سرخ و سیاه با بیرحمی می کشند، ویران می کنند و آتش می زنند تا مردم را بیچاره کنند و چنان در گیر پیدا کردن قوت و لایموت بسازند که سرشان را بلند کرده نتوانند. بدین منوال در عرصه فرهنگی بر نکات کلیدی ضربه می زنند، مثلاً در دوران حاکمیت مزدوران روس، افراد فامیل به یک دیگر اطمینان نداشتند، چون دولت مزدور تلاش می کند تا رخنه در حرمت فامیل ایجاد کند، پسر عضو دستگاه امنیت بوده، دختر، پدر و مادر؛ که این خواسته و نا خواسته باعث بی اعتمادی می شود. در زندان من خود شاهد بودم که پدر زندانی بود و پسر زندانبان، و پدر بارها از رذالت پسرش قصه کرد. زمانی که دارودسته های جنگ سالار به قدرت رسیدند تجاوز به حریم مردم و تلاش برای در هم کوبیدن غرور مردم سرخط اهداف آنها بود، تمام مردم افغانستان و به خصوص مردم کابل شاهد هزاران حرکت غیر انسانی این دسته های وحشی بودند و به یاد دارند که اینها دختران مردم را به جبر نکاح کردند، پسر را در موجودیت پدر و ادار به رقص کردند، زن کسی را با زور سلاح از خانه بیرون کردند و تجاوز کردند؛ سعی بر این کردند تا غرور مردم را جریحه دار بسازند. دوران طالبان که نماد وحشت در نهایت بود، کارهایی کردند که یاد آوری آن مو بر اندام انسان راست می کند، فقط برای این که همت و غیرت مردم را تا سطح یک موجود ذلیل پائین بیاورند، پدر را در مقابل پسر شلاق زدند، شوهر را جلو چشم زنش حقیر کردند، تا بتوانند به اربابانشان خدمت کنند و کشور و مردمش را غلام حلقه به گوش و فرمانبردار تحویل بدهند و در ازای آن بر سریر قدرت قرار داشته باشند.

در هریک از دوره های ذکر شده مردم با خشم و نفرت شان عکس العمل نشان داده اند حتی در لحظه ای که مزدوران در مقابل مردم قرار داشتند و کاری می کردند، و اما در دوره فعلی واقعاً جای تعجب است که بین ۳۰ تا ۵۰ دو پائی که وحشیانه دختری را می کشند و به آتش می کشند تماشاچیان هیچ کاری نمی کنند، در حالی که تعداد

فلمبرداران بیشتر از دوپا یان وحشی بود، در عین حالی که تماشاگران به هزاران می رسیدند. آیا انقیاد را مردم پذیرفته اند و هیچ نکته ای از فرهنگ و عنعنۀ افغانی را به یاد نمی آورند؟ موفقیت استعمار؟ ویا.....

نتهایتاً خدمت استاد "موسوی" عارضم که ، اگر مقاله شما را در کلیت آن دوبخش بخوانیم ، که بخش نخست "پیوند داعش وشاه دو شمشیره" و مبحث دیگر "سخنی چند با باشندگان کابل" است ویا من چنین بیانی از نوشته شما دارم، بخش اول همه جانبه تعریف شده واما بخش بعدی؛ کمتر باز شده است ، که امیدوارم به زودی خوانندۀ ادامه این مطلب از خامۀ شما باشم ، خاصتاً که ختم نوشته با این کلمات است ، " این رشته سر دراز دارد"...

خواهان موفقیت شما.

پیکان " بنوال "